

مرجعی مفید و کتابی خواندنی در شاهنامه پژوهی

کامران فرهادی

هر دو مقاله دکتر جلال خالقی مطلق است. مقاله «فردوسی» در بردارنده شرح احوال او و ماجرای سرودن شاهنامه است و مقاله مفصل «شاهنامه» شامل هفت قسمت است: در نخستین بخش آن، نکاتی درباره «عنوان، مأخذ و تاریخ نظم، تقسیم‌بندی، ساختار و موضوعات شاهنامه» بیان شده است. در بخش بعدی (زبان شاهنامه)، مطالبی درباره وزن و قافیه شاهنامه و نکاتی در باب واژگان فارسی و غیرفارسی به کاررفته در این کتاب، باختصار، آمده است. همچنین برخی ویژگی‌های دستوری شاهنامه توضیح داده شده است. بخش سوم مقاله به «سبک شاهنامه» اختصاص یافته و مؤلف در آن، به بررسی کاربرد انواع آرایه‌های بدیعی (لفظی و معنوی) و صور خیال در شاهنامه پرداخته است. چهارمین بخش این مقاله (بینش شاهنامه) نیز حاوی نکاتی خواندنی راجع به «بینش دینی»، «بینش اخلاقی»، «بینش پادشاهی» و «بینش پهلوانی» در شاهنامه است. مؤلف در این بخش بازتاب اعتقادات ادیان گوناگون را در شاهنامه بررسی کرده و آموزه‌های اخلاقی این کتاب را نیز کاویده است. پنجمین بخش مقاله نیز به بررسی تأثیر شاهنامه بر آثار ادبی منظوم و منثور فارسی در دوره‌های بعد و نیز بر ادبیات سایر ملل اختصاص یافته است. در این بخش همچنین به تأثیر این اثر در آداب و رسوم، فرهنگ و هنر دیروز و امروز ایران زمین اشاره شده است. موضوع ششمین بخش مقاله هم معرفی کهن‌ترین و مهم‌ترین نسخه‌های خطی شاهنامه و معرفی کوتاه مهم‌ترین چاپ‌های این اثر در ایران و جهان است. در این بخش همچنین به چاپ‌های نسخه‌برگردان، مجموعه‌های مصور، برگزیده‌های شاهنامه و نیز انواع فرهنگ‌هایی که درباره شاهنامه نوشته شده، اشاره رفته است. هفتمین بخش این مقاله نیز به ترجمه‌های شاهنامه و پژوهش‌های محققان درباره این کتاب اختصاص یافته است. در پایان این بخش نیز مقاله «آرامگاه فردوسی» به قلم جعفر شجاع کیهانی را می‌خوانیم.

فردوسی و شاهنامه‌سرایی: گزیده‌ای از مقالات دانشنامه زبان و ادب فارسی (به سرپرستی اسماعیل سعادت)، نوشته جلال خالقی مطلق و دیگران، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۹۰، قطع رقعی، ۱۲۰۲ صفحه، ۲۵۰۰۰ تومان.

به مناسبت «همایش هزاره شاهنامه» - که اواخر اردیبهشت ۱۳۹۰ به همت فرهنگستان زبان و ادب فارسی در بنیاد ایران‌شناسی برگزار شد - برگزیده‌ای از مدخل‌های دانشنامه زبان و ادب فارسی درباره فردوسی، شاهنامه و ادبیات حماسی ایران نیز در یک مجلد منتشر شد.

فردوسی و شاهنامه‌سرایی شامل بیش از یکصد مقاله دانشنامه زبان و ادب فارسی است؛ مرجعی که این سال‌ها زیر نظر استاد اسماعیل سعادت تدوین می‌شود و تا کنون سه جلد از شش جلد آن (تا اواخر حرف «س») منتشر شده است. بیشتر مقالات کتاب نیز از مدخل‌های جلد‌های چهارم تا ششم دانشنامه است؛ بخصوص دو مدخل مفصل «فردوسی» و «شاهنامه فردوسی» که مجموعاً بیش از ۱۵۰ صفحه از کتاب را دربر دارد و خود در حکم کتاب کوچکی است در شناخت فردوسی و اثر بزرگ او.

مقالات کتاب در ۱۱ بخش تنظیم شده است: نخستین بخش (پیشینه شاهنامه‌سرایی در ایران) شامل سه مقاله «حماسه»، «شاهنامه‌سرایی» و «خدای‌نامه» است. در بخش دوم (حماسه‌های پیش از شاهنامه فردوسی و سراینده‌گان و حامیان آنها) ۱۰ مدخل «یادگار زریران»، «ابن مقفع»، «آزادسرو»، «شاهنامه مسعودی مروزی»، «ابوالمؤید بلخی»، «ابوعلی بلخی»، «ابومنصور محمد بن عبدالرزاق»، «ابومنصور معمری»، «شاهنامه ابومنصوری» و «دقیقی» را می‌خوانیم. نویسندگان اغلب مقالات این دو بخش جلال خالقی مطلق است. بخش سوم (ابوالقاسم فردوسی و شاهنامه او) شامل دو مقاله مفصل «فردوسی» و «شاهنامه فردوسی» است. نویسنده



در بخش چهارم کتاب مقالاتی دربارهٔ ۴۱ شخصیت اساطیری و داستانی شاهنامه گردآمده است؛ «کیومرث»، «جم»، «ضحاک» (نوشته ژاله آموزگار)، «سیامک»، «گودرز»، «سیاوش» (نوشته میرجلال‌الدین کزازی)، «هوشنگ»، «طهمورث»، «کیخسرو» (نوشته چنگیز مولایی)، «آبتین»، «فردون» (نوشته احمد تفضلی)، «گرشاسپ»، «آرش» (نوشته ابوالفضل خطیبی)، «کاوه»، «گیو»، «رستم»، «فرامرز»، «اشکبوس»، «زریر» (نوشته جلال خالقی مطلق)، «زال»، «ارجاسپ» (نوشته محمود امیدسالار)، «افراسیاب»، «اسفندیار» (نوشته سجاد آیدنلو) و «گشتاسپ» (نوشته حسن رضایی باغبیدی) عناوین برخی از مقالات این بخش است. پنجمین بخش کتاب «دربارهٔ برخی از آفریده‌های اساطیری در شاهنامه» است؛ با مقالاتی دربارهٔ «اهریمن»، «دیو»، «دیو سفید»، «آزدها»، «سیمرغ»، «رخش»، «اکوان دیو» و «کرم هفتواد». در بخش ششم مقالاتی «دربارهٔ برخی از جایها در شاهنامه» می‌خوانیم؛ «آذرگشسب»، «رویین دز»، «دژ گنبدان»، «توران»، «مازندران» و «سیستان» عناوین مقالات این بخش است. هفتمین بخش کتاب شامل سه مقاله «بیر بیان»، «درفش کویانی» و «درفش پهلوانان و شاهان» است. بخش هشتم نیز شامل چهار مقاله مفصل دربارهٔ داستان‌های «رستم و سهراب» (نوشته ابوالفضل خطیبی)، «هفتخان رستم»، «رستم و اسفندیار»، «بیژن و منیژه» و دو مقاله کوتاه دربارهٔ دو داستان «دوازده رخ» و «هفتخان اسفندیار» است. پنج مقاله اخیر نوشتهٔ دکتر جلال خالقی مطلق است. سه مقاله «شاهنامه بُنداری»، «شاهنامه بایسنقری» و «شاهنامه شاه‌طهماسبی» بخش نهم کتاب را تشکیل می‌دهند. بخش دهم نیز دربردارندهٔ مقالاتی در معرفی ۲۲ اثر حماسی منظوم و منثور ادب فارسی است که جملگی بعد از شاهنامهٔ فردوسی پدیدآمده‌اند. آخرین بخش کتاب هم سه نمایه «نامهای اساطیری و تاریخی»، «کتابها» و «جایها» است. نمایه با دقت فراوان تنظیم شده و راهگشای خوانندگان است. نکتهٔ عجیبی که در «نمایه نامها» به چشم می‌آید، این است که هر چند نام معاصرین (اعم از ایرانی و غیرایرانی) به ترتیب «نام خانوادگی، نام» مرتب شده است،

در یک مورد از این قاعده عدول شده و نام شاهنامه‌پژوه هلندی، خانم گابریله فان دن برخ، را ذیل «گ» آورده‌اند. در نمایه «کتابها» نیز «شاهنامهٔ فردوسی» را به عنوان یکی از مدخل‌ها آورده‌اند که عجیب است و طرفه‌تر آن که در برابر آن بیش از ۴۷۰ عدد (شماره صفحه) نوشته‌اند؛ حال آن که کل کتاب (فارغ از مقدمه‌ها و نمایه‌ها) ۱۱۱۸ صفحه است و حدود ۲۰۰ صفحه‌اش هم کتابنامه‌ها یا صفحات سفیدی است که پس از هر مقاله آمده و قاعدتاً در آن صفحات قرار نیست مطلبی دربارهٔ «شاهنامه» بیاید. می‌ماند حدود ۹۰۰ صفحه؛ یعنی شمارهٔ نصف بیشتر صفحات کتاب را در برابر «شاهنامه» نوشته‌اند. اگر نمایه قرار است به کمک خواننده بیاید، باید پرسید آیا ممکن است خوانندهٔ این کتاب، در نمایه دنبال چنین مدخلی بگردد؟ و اگر بگردد، براستی آیا گشتن در ۴۷۰ صفحه کمکی به او می‌کند؟ وانگهی چه بسا در بسیاری صفحات دیگر هم مطلبی دربارهٔ «شاهنامه» آمده باشد، گو این که نامش نیامده باشد. تکلیف آن صفحات چیست؟ در چنین مواردی — اگر نخواهند از نمایهٔ تحلیلی استفاده کنند — معمولاً کلمه‌ای را که موضوع اصلی کتاب است، نمایه نمی‌کنند. اگر هم نمایه کردند، به جای آن که چندصد عدد را در چندین صفحه ردیف کنند، به ذکر عبارت «اغلب صفحات» یا «تقریباً تمام صفحات» بسنده می‌کنند.

امتیاز مهمی که این مجموعه بر بسیاری دیگر از کتاب‌های این حوزه دارد، سپردن کار تألیف مقالات به شاهنامه‌شناسان نامدار است. (دکتر جلال خالقی مطلق، دکتر محمود امیدسالار و ابوالفضل خطیبی، به ترتیب با نگارش ۲۸، ۱۱ و ۷ مقاله سهم عمده‌ای در پدید آمدن این مجموعه داشته‌اند.) به این نکته باید دقت نویسندگان و سلامت زبان کتاب را هم اضافه کرد.

علاوه بر اینها، انتخاب حروف چشم‌نواز، حروف چینی کم‌غلط و انتخاب قطع و کاغذ مناسب، موجب شده است که فردوسی و شاهنامه‌سرایی نه تنها مرجعی قابل اعتماد که کتابی خوش‌دست و خوش‌خوان نیز باشد.

